موضوع: مراجعه 52

صحابه پيامبر (ص) از نگاه احاديث

اصناف سه گانه صحابه كه در قرآن بيان شده، در احاديث اسلامى نيز مطرح شده است. در برابر احاديثى كه صحابه را مورد مدح و ستايش قرار داده است، احاديث ديگرى نيز وجود دارد كه از نفاق، سست ايمانى و كارهاى نارواى صحابه سخن گفته است. همان گونه كه احاديث دسته اول گاهى جنبه عمومى دارد و گاهى نيز از افراد خاص سخن گفته است، در احاديث دسته دوم نيز همين دو گانگى يافت مى‏شود.

از آن‏جا كه نقد ما مبتنى بر دسته دوم است، نمونه‏هايى از آن را يادآور مى‏شويم:

1. پيامبرصلى الله عليه وآله فرمود: «من قبل از شما نزد حوض خواهم رفت. در اين هنگام مردانى از شما به سوى من آورده مى‏شوند و هنگامى كه من مى‏خواهم از آنان دستگيرى كنم، آنان را از من دور مى‏سازند. من مى‏گويم: پروردگارا! اينها اصحاب من هستند. خداوند مى‏فرمايد: تو نمى‏دانى كه پس از تو چه كرده‏اند».[[1]](#footnote-1)

2. سهل بن سعد گفته است از پيامبرصلى الله عليه وآله شنيدم كه فرمود: «من قبل از شما نزد حوض كوثر خواهم رفت. هر كس بر آن وارد شود از آن خواهد نوشيد و هر كس از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. اقوامى بر من وارد خواهند شد كه من آنها را مى‏شناسم و آنها نيز مرا مى‏شناسند. سپس ميان من و آنها حائل ايجاد مى‏شود«. ابوحازم كه اين حديث را از سهل بن سعد روايت كرده، افزوده است: نعمان بن عياش كه از شنوندگان حديث بود گفت: من از ابو سعيد خدرى شنيدم كه گفت: پيامبرصلى الله عليه وآله مى‏گويد: اين افراد از اصحاب من هستند. به او گفته مى‏شود: تو نمى‏دانى كه آنان پس از تو چه احكامى را تغيير دادند. من خواهم گفت: از رحمت خدا دور باد كسى كه دين مرا پس از من تغيير داد».[[2]](#footnote-2)

3. ابوهريره از پيامبرصلى الله عليه وآله روايت كرده است كه فرمود: «روز قيامت، گروهى از اصحاب من بر من وارد مى‏شوند. آنان را از حوض دور مى‏سازند. من مى‏گويم پروردگارا! اينها اصحاب من هستند. خداوند مى‏فرمايد: توبه آنچه آنان پس از تو پديد آوردند آگاه نيستى. آنان راه ارتداد برگرفتند و به عقب برگشتند.[[3]](#footnote-3)

4. ابوهريره در حديثى ديگر از پيامبرصلى الله عليه وآله روايت كرده است كه فرمود: «هنگامى كه من در قيامت ايستاده‏ام، گروهى را مى‏بينم كه آنها را مى‏شناسم. در اين هنگام فردى از ميان من و آنها خارج مى‏شود و آنان را به دنبال خود مى‏خواند. من مى‏گويم: آنها را به كجا مى‏برى؟ مى‏گويد: به سوى دوزخ. مى‏گويم: جرم آنها چيست؟ مى‏گويد: آنان پس از تو راه ارتداد و قهقرا را برگزيدند. از آنان جز شمار كمى نجات نخواهند يافت».[[4]](#footnote-4)

5 . علاء بن مسيب از پدرش نقل كرده كه گفته است: «براء بن عازب را ملاقات كردم و به او گفتم خوشا به حال تو كه به مصاحبت با پيامبرصلى الله عليه وآله و بيعت با او در زير درخت توفيق يافتى. وى گفت: اى برادرزاده! تو نمى‏دانى كه پس از پيامبرصلى الله عليه وآله چه چيزهايى را پديد آورده‏ايم».[[5]](#footnote-5)

براءبن عازب از صحابه برجسته پيامبرصلى الله عليه وآله و از سابقين و از جمله كسانى است كه زير درخت با پيامبر بيعت كردند و آن را «بيعت رضوان« گويند. سخن وى، گواه روشنى بر احاديثى است كه پيش از اين از پيامبرصلى الله عليه وآله نقل شد، و اين‏كه عده‏اى از اصحاب پيامبر پس از وى راه ارتداد برگزيده و بدعت‏هايى را در دين پديد آوردند. سخن وى، دليل روشنى بر نادرستى ادعاى كسانى است كه مصاحبت با پيامبرصلى الله عليه وآله، يا حضور در بدر و احد، يا شركت در بيعت رضوان و مانند آن را شرط لازم و كافى براى درستى قول و فعل افراد، و پيراسته بودن آنان از هرگونه انتقاد مى‏دانند. چه بسا، فرد يا افرادى، در عصر پيامبرصلى الله عليه وآله سوابق درخشانى داشته و فداكارى‏هاى نمايانى كرده باشند، ولى بعد از آن حضرت راه ارتداد و انحراف را برگزيده باشند.

6. بخارى از ابوسعيد خدرى، ابوهريره و ابوايوب انصارى از پيامبر گرامى‏صلى الله عليه وآله روايت كرده كه فرموده است: «خداوند هيچ پيامبرى را مبعوث نكرد و هيچ خليفه‏اى را به خلافت برنگزيد مگر اين‏كه نزديكان و اطرافيان او را دو دسته قرار داد، يك دسته او را به معروف توصيه مى‏كند، و دسته ديگر او را به شر و بدى فرا مى‏خواند، معصوم كسى است كه خداوند او را حفظ كند».[[6]](#footnote-6) مطابق اين حديث در ميان خواص اصحاب پيامبرصلى الله عليه وآله و كسانى كه طرف مشورت او قرار مى‏گرفتند، افرادى وجود داشتند كه خواهان شر و بدى بودند.

دیدگاه شیعه درباره صحابه پیامبر (ص) با قرآن کریم و احادیث نبوی کاملا هماهنگ است. آنان نیز در این باره از گفتار و رفتار افراطی یا تفریطی پرهیز نموده و با توجه به واقعیت های تاریخی درباره صحابه که در قرآن کریم، روایات و گزارش های تاریخی آمده است، قضاوت کرده اند. نقدهای امام شرف الدین بر عده ای از صحابه که در مراجعه های 74 تا 96 بیان شده، بر همین اساس استوار است. اعظمی این نقدها را طعن خفی نسبت به ام المؤمنین عایشه، جمهور صحابه و خصوصا ابوبکر، عمر و عثمان دانسته و این مطلب را مناقض سخن وی در این مراجعه که به وجود فضایل صحابه پیامبر (ص) خصوصا سابقین اولین، اذعان کرده قلمداد کرده است.[[7]](#footnote-7)

سعد الدین تفتازانی در باره عدالت صحابه می گوید:

« أن ما وقع بين الصحابة من المحاربات و المشاجرات على الوجه المسطور في كتب التواريخ، و المذكور على ألسنة الثقات يدل بظاهره على أن بعضهم قد حاد عن طريق الحق، و بلغ حد الظلم و الفسق. و كان الباعث له الحقد و العناد، و الحسد و اللداد، و طلب الملك و الرئاسة و الميل إلى اللذات و الشهوات إذ ليس كل صحابي معصوما و لا كل من لقي النبي (صلى اللّه عليه و سلّم) بالخير موسوما [1] إلا أن العلماء لحسن ظنهم بأصحاب رسول اللّه (صلى اللّه عليه و سلّم) ذكروا لها محامل و تأويلات بها تليق، و ذهبوا إلى أنهم محفوظون عما يوجب التضليل و التفسيق صونا لعقائد المسلمين عن الزيغ و الضلالة في حق كبار الصحابة، سيما المهاجرين منهم و الأنصار، و المبشرين بالثواب في دار القرار. و أما ما جرى بعدهم من الظلم على أهل بيت النبي (صلى اللّه عليه و سلّم) فمن الظهور بحيث لا مجال للإخفاء، و من الشناعة بحيث لا اشتباه على الآراء، إذ تكاد تشهد به الجماد و العجماء، و يبكي له من في الأرض و السماء، و تنهد منه الجبال، و تنشق الصخور، و يبقى سوء عمله على كر الشهور و مر الدهور، فلعنة اللّه على من باشر، أو رضي، أو سعى، و لعذاب الآخرة أشد و أبقى».[[8]](#footnote-8)

چند منبع در زمینه مساله عدالت صحابه

1. کتاب نظریه عدالت الصحابه، احمد از علمای لبنان.

2. فاسالوا اهل الذکر، دکتر تیجانی، ص 113 – 117.

3. مع الصادقین، دکتر تیجانی، ص 83- 98.

4. بحث فی المل و النحل، آیت الله سبحانی، فصل عداله الصحابه بین العاطفه و البرهان .

5. بررسی نظریه عدالت صحابه، غلام حسین زینعلی

6. اعیان الشیعه، ملامحسن امین، ج1، ص 113- 117 .

7. الامام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه، اسد حیدر . ج1 ص 589 – 603 .

8. الفتنه الکبری، طه حسین، ص 171- 172

امام شرف الدین در کتاب «الفصول المهمه» یکی از وجوهی که مانع از تالیف میان شیعه و اهل سنت می شود را اتهاماتی می داند که بی خود و دائم به شیعه زده می شود. ایشان در این کتاب به نقد این بهتان ها پرداخته است و می گوید: من تمام این تهمت ها را جواب دادم و تنها مساله صحابه باقی مانده است. بله غلات شیعه می گویند همه صحابه منحرف هستند. اهل سنت حرف این غلات را گرفته و به همه شیعه نسبت داده اند. بعد ایشان 213 نفر از صحابه را نام می برند که از مریدان امیرالمومنین (ع) بودند، و سپس بیان می کند که حساب گروه منافق از صحابه با بقیه جدا است.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. صحیح بخاری، ج4، ص 221، باب اول، حدیث 2 و ص 141، باب فی الحوض، حدیث 1 و 7 [↑](#footnote-ref-1)
2. صحیح بخاری، ج4، حدیث 3 و ص 141، باب فی الحوض، ص 8 [↑](#footnote-ref-2)
3. صحیح بخاری، ج4، ص 142، باب فی الحوض، حدیث 9 و 10 [↑](#footnote-ref-3)
4. صحیح بخاری، ج4، حدیث 11 [↑](#footnote-ref-4)
5. صحیح بخاری، ج4، ص 44، باب غزوة الحدیبیة [↑](#footnote-ref-5)
6. صحیح بخاری، ج4، ص 244 – 245، کتاب الاحکام، باب بطانة الامام و أهل المشروته. [↑](#footnote-ref-6)
7. الحجج الدامغات، ج2، ص 530 [↑](#footnote-ref-7)
8. شرح المقاصد، سعدالدین تفتازانی، ج5، ص 310- 311 [↑](#footnote-ref-8)